



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۹، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۱۵۷-۱۸۶

## رده‌شناسی نظام آغازگر در دو زبان فارسی و ترکی آذری

احمد فرشبافیان<sup>۱\*</sup>، اسماعیل صفائی اصل<sup>۲</sup>، یوسف آرام<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، ایران.

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

پذیرش: ۹۷/۸/۲۲

دریافت: ۹۷/۵/۲۰

### چکیده

این مقاله در چارچوب «رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند» و با تکیه بر تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) کوشیده است، رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر دو زبان فارسی و ترکی آذری را که به لحاظ نسبی به دو خانواده زبانی متفاوت متعلق‌اند، توصیف و مقایسه کند. به بیانی مشخص‌تر، این پژوهش تلاش کرده است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که با توجه به تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن، نظام آغازگر و مشخصاً سه زیرنظام «نشان‌داری آغازگر»، «گزینش آغازگر»، و «نوع آغازگر» در زبان فارسی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با آن نظام‌ها در زبان ترکی آذری دارند. مطالعه حاضر نشان داد که دو زبان فارسی و ترکی آذری (۱) دارای ساخت آغازگری - پایان-بخشی تقریباً همانند هستند، (۲) با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار به یک شکل برخورد می‌کنند، (۳) افزون بر آغازگر ساده، دارای آغازگر چندگانه نیز هستند، (۴) با عناصر سازنده آغازگر چندگانه به یک شکل برخورد می‌کنند و (۵) دارای نظام آغازگر وجه‌آزاد هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دو زبان فارسی و ترکی آذری که به لحاظ نسبی کاملاً متفاوت هستند، دارای نظام آغازگر و مشخصاً سه زیرنظام «نشان‌داری آغازگر»، «گزینش آغازگر»، و «نوع آغازگر» مشابهی هستند. این نتیجه با «اصل سازگاری محوری» هم‌سو است. بر اساس این اصل، زبان‌ها با توجه به محور جانشینی/نظام و نه محور هم‌نشینی/ساخت، گرایش به سازگاری بیشتر با یکدیگر دارند.

**واژه‌های کلیدی:** رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن، نظام آغازگر، زبان فارسی، زبان ترکی آذری.

## ۱. مقدمه

رده‌شناسی زبان<sup>۱</sup> که به مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها می‌پردازد (Comrie, 2001: 25) به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲). در کنار مسائل زبانی بسیار متنوعی، از جمله «رشد زبان در کودک»، «زبان‌شناسی آموزشی»<sup>۲</sup>، «زبان‌شناسی رایانشی»<sup>۳</sup>، و «زبان‌شناسی بالینی»<sup>۴</sup> در کانون توجه «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»<sup>۵</sup> قرار دارد (Caffarel et al, 2004: 2, 5). به گفته کافارل و همکاران (ibid: 5)، مطالعه رده‌شناسی زبان از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند که رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند<sup>۶</sup> یا به اختصار رده‌شناسی نظام‌مند<sup>۷</sup> نامیده می‌شود، از همان آغاز شکل‌گیری نظریه یادشده مطرح بوده است و در «زبان‌شناسی فرئی»<sup>۸</sup> ریشه دارد و با علاقه مکتب پراگ<sup>۹</sup> به «ماهیت‌شناسی»<sup>۱۰</sup> زبان‌ها در ارتباط است. گفتنی است در رده‌شناسی نظام‌مند که نظام‌های زبان‌ها و نه کلیت آن‌ها را بررسی می‌کند (Caffarel et al., ibid)، زبان‌شناسان به دنبال دستیابی به آن دسته از «تعمیم‌های تجربی»<sup>۱۱</sup> هستند که در اصل بتوان آن‌ها را به تمام زبان‌های جهان اعمال کرد. تعمیم‌های تجربی تعمیم‌هایی هستند که مبتنی بر نمونه‌های زیادی از توصیفات زبانی هستند (Teruya & Matthiessen, 2013: 16).

متیسن (2004) هم‌سو با هدف یادشده رده‌شناسی نظام‌مند در مطالب ذکرشده و از رهگذر بررسی نظام‌های اندیشگانی<sup>۱۲</sup> (منطقی<sup>۱۳</sup> و تجربی<sup>۱۴</sup>)، بینافردی<sup>۱۵</sup> و متنی<sup>۱۶</sup> «دستور بند»<sup>۱۷</sup> زبان‌های متعدد و متنوعی، از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، دانمارکی، عربی، ژاپنی، تاگالوگ<sup>۱۸</sup>، چینی، ویتنامی، تلگو<sup>۱۹</sup>، و پیچان‌چاچارا<sup>۲۰</sup>، به مجموعه‌ای از «تعمیم‌های رده‌شناختی»<sup>۲۱</sup> دست یافته است. وی (ibid: 537) در ارتباط با تعمیم‌های رده‌شناختی پیشنهادی‌اش مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش برای گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند به کار بست. البته، وی بلافاصله تصریح کرده است که «ارائه یک نقشه تعمیم‌یافته هنوز ممکن نیست؛ اما باید در آن جهت حرکت کنیم».

تا جایی که نگارندگان این سطور اطلاع دارند تاکنون در هیچ یک از دو زبان فارسی و ترکی آذری، پژوهشی در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (ibid) انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر کوشیده است ضمن معرفی اجمالی انگاره جدیدی از رده‌شناسی که می‌توان از آن با عنوان «رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند متیسن» یاد کرد به توصیف و مقایسه نظام آغازگر<sup>۲۲</sup> به‌عنوان یکی از نظام‌های فرانقش متنی در دو زبان فارسی و ترکی

آذری در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن در خصوص آن نظام بپردازد. برای انجام این امر مهم، پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004)، نظام آغازگر دستور بند دو زبان فارسی و ترکی آذری چه رفتارهایی را از خود نشان می‌دهد؟
- رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر در دستور بند دو زبان فارسی و ترکی آذری چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند؟

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی نظری و به لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی محض است. نمونه‌های فارسی و ترکی آذری در این پژوهش از اسناد متنوعی، از جمله رمان، مقالات پژوهشگران و کتاب‌های دستور به‌دست آمده‌اند. تعدادی از نمونه‌ها را هم خود این نگارندگان به‌دست داده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این پژوهش نظام آغازگر را تنها در محدوده بند ساده توصیف کرده و از ورود به محدوده بندهای مرکب پرهیز کرده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از مطالعات انجام‌یافته درباره نظام آغازگر در هر یک از دو زبان فارسی و ترکی آذری معرفی می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که سال انتشار کتاب مشتمل بر تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن<sup>۳۳</sup> (2004)، یعنی مبدأ زمانی برای انتخاب مطالعات یادشده در این پژوهش بوده است. بر این اساس، گستره زمانی مطالعاتی که در این بخش معرفی خواهند شد از سال 2004 به بعد است.

پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود در ارتباط با دستور متنی<sup>۳۴</sup> زبان فارسی به مباحثی، از جمله ساخت مبتدایی (ساخت آغازگری - پایان‌بخشی<sup>۳۵</sup>)، رابطه دو نظام مبتدا (آغازگر) و وجه<sup>۳۶</sup>، و مبتدای (آغازگر) چندگانه<sup>۳۷</sup> پرداخته است. در اینجا به ذکر این یافته بسنده می‌کنیم که به باور پهلوان‌نژاد (همان: ۱۶۳)، انتخاب مبتدای (آغازگر) بی‌نشان<sup>۳۸</sup> در یک بند به وجه آن بند بستگی دارد. برای مثال، وی مدعی شده است که در بندهای پرسشی استفهامی (پرسشی پرسش‌واژه‌ای)<sup>۳۹</sup>، واژه پرسشی (پرسش‌واژه) مبتدای (آغازگر) بی‌نشان است و در غیر این صورت، مبتدا (آغازگر) از نوع نشان‌دار<sup>۴۰</sup> خواهد بود (همان: ۱۶۶ - ۱۶۷).

فهم‌نیا (۱۳۸۹) از منظر رویکرد هلیدی و متیسن<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۴) و در پیکره‌ای گردآوری‌شده از کتاب‌های فارسی دو پایه چهارم و پنجم و نیز انشای دانش‌آموزان دو پایه یادشده (مشتمل بر ۶۸۰ بند ساده<sup>۳۲</sup> و مرکب<sup>۳۳</sup>)، به توصیف و تحلیل سازه آغازگر در زبان فارسی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تقسیمات ارائه‌شده از آغازگر در دستور نقش-گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) بر زبان فارسی منطبق است. به عبارتی دیگر، سازه آغازگر در زبان فارسی نیز به انواع ساده/مرکب (چندگانه) و بی‌نشان/نشان‌دار تقسیم می‌شود و عناصر تشکیل‌دهنده آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه) در توالی‌های آغازگر متنی/بینافردی + آغازگر تجربی<sup>۳۴</sup> و آغازگر متنی + آغازگر بینافردی + آغازگر تجربی وقوع می‌یابند. از دیگر نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، می‌توان به دو مورد دیگر نیز اشاره کرد: ۱) آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) با توالی آغازگر متنی + آغازگر تجربی پربسامدترین نوع آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) در کل پیکره بوده است و ۲) در بندهای مرکب، آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه) نشان‌دار گرایشی غالب برای ظهور در بندهای پایه دارند تا در بندهای پیرو.

فقیه و بهمن (۲۰۱۰) با تکیه بر دو داستان کوتاه بسامد رخ‌داد سه نوع آغازگر تجربی یا موضوعی<sup>۳۵</sup>، بینافردی، و متنی را در دو زبان انگلیسی و ترکی آذری مقایسه کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو پیکره یادشده از زبان انگلیسی و ترکی آذری، آغازگر تجربی یا موضوعی، بسامد رخ‌داد بیشتری نسبت به دو آغازگر دیگر دارد و آغازگر متنی هم دارای بسامد رخ‌داد بیشتری نسبت به آغازگر بینافردی است.

رضاپور و سلطان احمدی (۱۳۹۳) در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، انواع آغازگر و توزیع آن‌ها را در کتاب‌های آموزش زبان فارسی در دو سطح متوسط و پیشرفته بررسی کرده‌اند. در این مطالعه، انواع آغازگر ساده، مرکب (چندگانه)، نشان‌دار، بی‌نشان، متنی، و بینافردی، شناسایی و بررسی شده‌اند. آمار به‌دست آمده از توزیع انواع آغازگرها نشان می‌دهد که بسامد هر یک از آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه)، بی‌نشان، و متنی به‌ترتیب بیشتر از بسامد آغازگرهای ساده، نشان‌دار، و بینافردی است. نکته قابل ذکر دیگر آن است که رضاپور و سلطان احمدی نیز همانند اعلایی (۱۳۸۸) ضمیر فاعلی محذوف را بی‌نشان‌ترین آغازگر و فاعل پسافعلی<sup>۳۶</sup> را نشان-

دارترین آغازگر تلقی کرده‌اند (همان: ۲۳۱).

مطالعات ذکرشده و سایر مطالعات نگارندگان این سطور نشان می‌دهند که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر دو زبان فارسی و ترکی آذری بر مبنای تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) صورت نگرفته است. از این رو، همان‌طور که در انتهای بخش ۱ ذکر شد، پژوهش حاضر می‌کوشد بر اساس تعمیم‌های یادشده به مطالعه رده‌شناختی نظام آغازگر در دو زبان فارسی و ترکی آذری بپردازد.

### ۳. چارچوب نظری

در رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزءگرا<sup>۳۷</sup> که رویکرد غالب در رده‌شناسی از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد بوده است، دستیابی به همگانی‌های زبانی، یعنی تعمیم‌هایی قانون‌گونه، مورد نظر است. گفتنی است که در این رویکرد، دستیابی به تعمیم‌های زبانی بر مبنای مقایسه بین‌زبانی ساختارهای خاص، از جمله سببی‌سازی، مجهول‌سازی، هم‌پایه‌سازی، و مالکیت استوار است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴، ۶، ۲۲). برای نمونه، می‌توان به همگانی‌های رده‌شناختی گرینبرگ<sup>۳۸</sup> (1966) و هاکینز<sup>۳۹</sup> (1983) که اساساً در خصوص «ترتیب واژه»<sup>۴۰</sup> هستند، اشاره کرد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۳ - ۲۸). متیسن (2004) نیز همانند رده‌شناسانی مثل گرینبرگ و هاکینز، ولی از منظر متفاوت به دنبال دستیابی به تعمیم‌های زبانی بوده است. به بیانی روشن‌تر، همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، وی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند و مشخصاً رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند و از این رو، با توجه به نظام‌های زبان‌ها و نه ساخت‌های آن-ها به مجموعه‌ای از تعمیم‌های رده‌شناختی دست یافته است. نکته در خور ذکر دیگر در خصوص تأکید بر نظام‌های زبان و نه ساخت‌های آن در انگاره رده‌شناسی نقش‌گرای نظام-مند، طرح دو اصل مربوط به میزان سازگاری بین نظام‌های زبان‌هاست که ترویا و متیسن (8: 2013) به دست داده‌اند. بر اساس یکی از این دو اصل که «اصل سازگاری محوری»<sup>۴۱</sup> نامیده شده است، زبان‌ها بر مبنای بُعد «نظام» و نه بُعد «ساخت» به سازگاری بیشتر با یکدیگر گرایش دارند. برای مثال، در هر دو زبان انگلیسی و چینی، دو نوع بند خبری<sup>۴۲</sup> و پرسشی در تقابل نظام‌مند با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ اما تقابل یادشده در این دو زبان به شکلی متفاوت آشکار می‌شود (ibid).

این پژوهش در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (*ibid*) در خصوص نظام آغازگر انجام یافته است. نظام آغازگر به‌عنوان یکی از منابع فرانش متن، بند را در هیئت یک «پیام»<sup>۴۲</sup> بازنمایی می‌کند و به کمک «آغازگری - پایان‌بخشی» آشکار می‌شود. بدین شکل، بند در هیئت یک پیام از دو عنصر آغازگر<sup>۴۳</sup> و پایان‌بخش<sup>۴۴</sup> تشکیل می‌شود (Halliday & Matthiessen, 2014: 88, 114-115). گفتنی است نظام آغازگر خود زیرنظام‌هایی<sup>۴۵</sup> را شامل می‌شود. این زیرنظام‌ها در اگینز<sup>۴۶</sup> (2004: 299) مشتمل بر «نوع آغازگر»<sup>۴۸</sup> (آغازگر ساده<sup>۴۹</sup> و آغازگر چندگانه)، «نشان‌داری آغازگر»<sup>۵۰</sup> (آغازگر بی‌نشان و آغازگر نشان‌دار)، و «محمول‌سازی آغازگر»<sup>۵۱</sup> (آغازگر محمول‌شده<sup>۵۲</sup> و آغازگر محمول‌نشده<sup>۵۳</sup>) هستند. هلیدی و متیسن (*ibid*: 106) هم، نظام آغازگر را به زیرنظام‌های «گزینش آغازگر»<sup>۵۴</sup>، «برجسته‌سازی آغازگر»<sup>۵۵</sup>، «کانونی‌سازی آغازگر»<sup>۵۶</sup>، «تکرار آغازگر»<sup>۵۷</sup>، «آغازگر بینافردی»<sup>۵۸</sup> و «آغازگر متنی»<sup>۵۹</sup> تقسیم کرده‌اند.

#### ۴. رده‌شناسی نظام آغازگر

در این بخش، تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که نظام آغازگر و مشخصاً سه زیرنظام «نشان‌داری آغازگر»، «گزینش آغازگر»، و «نوع آغازگر» در دو زبان فارسی و ترکی آذری با توجه به تعمیم‌های متیسن در خصوص آن نظام و زیرنظام‌ها<sup>۶۰</sup> چه رفتارهای رده‌شناختی‌ای از خود نشان می‌دهند.

##### ۴-۱. ساخت آغازگری - پایان‌بخشی

پیش‌تر نیز گفته شد در نظام متنی آغازگر، بند در هیئت یک پیام یا به‌مثابه یک «ساخت پیام»<sup>۶۱</sup> از یک سازه آغازگر به اضافه یک سازه پایان‌بخش تشکیل می‌شود. گفتنی است که این ساخت پیام از طریق توالی آغازگر و پایان‌بخش در یک بند بازنمایی می‌شود، بدین شکل که آغازگر در جایگاه آغازین بند قرار می‌گیرد و به‌عنوان نقطه عزیمت پیام عمل می‌کند و آنچه باقی می‌ماند پایان‌بخش است. گفتنی است سازه آغازگر ممکن است در زبان‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی آشکار شود. این سازه ممکن است از طریق (۱) فقط توالی (جایگاه آغازین بند در زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و چینی)، (۲) توالی + ادات

واحد زبانی (ادات «a»، «mi»، و «ma» در چینی و ادات «thi» در ویتنامی)، ۳ ادات واحد زبانی و (یا) توالی (جایگاه آغازین بند و پس‌اضافه‌هایی مثل «wa» و «mo» در ژاپنی) و ۴ ادات واحد زبانی (+ توالی) (ادات «ang» در زبان تاگالوگ) آشکار شود (Matthiessen, 2004: 643-645).

در ساخت آغازگری - پایان‌بخشی هر دو زبان فارسی و ترکی آذری همانند ساخت آغازگری - پایان‌بخشی زبان انگلیسی، سازه آغازگر در جایگاه آغازین بند قرار می‌گیرد و از طریق «توالی» آشکار می‌شود. به بیانی دیگر، در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، هر عنصر تجربی‌ای - که به‌عنوان آغازگر بند انتخاب می‌شود - بدون «آغازگرنا»<sup>۶۶</sup> ظاهر می‌شود و تنها نشانه آغازگر بودگی<sup>۶۷</sup> آن، جایگاه آغازین بند است. جدول ۱ ساخت آغازگری - پایان‌بخشی دو زبان فارسی و ترکی آذری را نمایش می‌دهد:

جدول ۱: ساخت آغازگری - پایان‌بخشی دو زبان فارسی و ترکی آذری

Table 1: Thematic structure of Persian and Azeri Turkish

من	
در زندگی	
آغازگر	
پایان‌بخش	
فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم (هدایت، ۱۳۸۳: ۹). زخم‌هایی هست (هدایت، همانجا).	
uʃɒx-lɒr جمع - بچه	bɒy-ɒ jet-di-lær. ۳ شج - گذشته - رفتن متممی <sup>۶۴</sup> - باغ «بچه‌ها به باغ رفتند» (Erfani, 2012: 18).
Gijpfae-lær-dæn ازی <sup>۶۵</sup> - جمع - قیافه	jɒzuG-luG cædær jɒy-ur. ۳ شم. حال. نمود ناقص <sup>۶۷</sup> - باریدن اندوه اسم انتزاعی ساز <sup>۶۶</sup> - بیچاره «از قیافه‌ها بیچاره‌گی [و] اندوه می‌بارد» (صباحی، ۱۳۵۷: ۱۴۷).
آغازگر	پایان‌بخش

همان‌طور که نمونه‌های جدول ۱ نشان می‌دهند، در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، سازه آغازگر در جایگاه آغازین بند و بدون آغازگرنا ظاهر می‌شود. با این حال باید توجه کرد که بر این اصل بنیادی آغازگر سازی<sup>۶۸</sup> در زبان فارسی، به‌ویژه در گونه گفتاری آن،

استثنایی وارد است و آن اینکه در این زبان، می‌توان هر مشارکی<sup>۶۹</sup> را پس از درج ضمیری هم‌مرجع<sup>۷۰</sup> در جایگاه اصلی آن مشارک، در بند به جایگاه آغازین آن بند منتقل کرد تا به عنوان آغازگر بند عمل کند. گفتنی است چنین سازه آغازگر که «آغازگر محض»<sup>۷۱</sup> نام دارد و از نوع آغازگرهای نشان‌دار است، در فارسی به همراه پس‌اضافه<sup>۷۲</sup> «را»<sup>۷۳</sup> ظاهر می‌شود. همچنین، آغازگر محض آغازگری است که در ساخت گذرایی<sup>۷۴</sup> بند نقشی ندارد. به بیانی روشن‌تر، آغازگر محض فاقد نقش تجربی یا بینافردی است و نقش آن صرفاً متنی است، یعنی نقش آن معرفی مشارکی است که در بند بازنمایی می‌شود (Caffarel, 2004: 80). همچنین، در نگارش زبان فارسی، پس از آغازگر محض از ویرگول (،) - که نشانه مکث است - استفاده می‌شود. در دو نمونه ۱ و ۲ در ادامه، به ترتیب دو عنصر همسایه و مهمون همسایه پس از درج ضمیری هم‌مرجع، یعنی «ش»، در جایگاه اصلی‌شان در بند به همراه آغازگرنامی خود، یعنی «رُ»، در جایگاه آغازین بند قرار گرفته‌اند و به‌عنوان آغازگر محض عمل می‌کنند. به بیانی فنی‌تر، دو عنصر همسایه و مهمون همسایه در دو نمونه یادشده با عملکرد فرایند «مبتداساز ضمیرگذار»<sup>۷۵</sup> در جایگاه آغازین بند قرار گرفته‌اند تا به‌عنوان آغازگر بند عمل کنند:

(۱) همسایه رُ، (من) به مهمونش خندیدم.

(۲) مهمون همسایه رُ، (من) ازش شکایت کرد<sup>۷۶</sup> (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

#### ۴ - ۲. آغازگر، وجه، و نشان‌داری

در این بخش، به بررسی دو زیرنظام «گزینش آغازگر» و «نشان‌داری آغازگر» به‌صورت یک-جا می‌پردازیم. در واقع، تلاش می‌کنیم به این پرسش اساسی پاسخ بدهیم که در هر یک از انواع مختلف بند به لحاظ وجه در دو زبان فارسی و ترکی آذری، چه عنصری به‌طور معمول به‌عنوان آغازگر انتخاب می‌شود.

#### ۴ - ۲ - ۱. آغازگر در بندهای خبری

در بندهای خبری، الگوی معمول آن است که آغازگر با فاعل<sup>۷۷</sup> هم‌پوشی کامل داشته باشد. برای مثال، در بندهای زیر عناصر من، خانم زهرا و یوسف‌خان، *uʃpɒx-lɒr* «بچه‌ها»، و *pæræstɒr-lɒr* «پرستارها» هم فاعل و هم آغازگر هستند.



(۳) من فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم (تکرار مثال اول جدول ۱).

(۴) خانم زهرا و یوسف خان هم نان را از نزدیک دیدند (دانشور، ۱۳۴۹: ۱).

(5) uʃɒx-lɔr bɔɣ-ɒ jɛt-di-læɾ.

۳ش ج - گذشته - رفتن متممی - باغ جمع - بچه

«بچه‌ها به باغ رفتند» (تکرار مثال سوم جدول ۱).

(6) pæɾæstɔr-lɔr hæɾ tæɾæf-æ hæɾæcæt-dæ-dir.

۳ش م. حال - اندری<sup>۷۸</sup> - حرکت متممی - طرف هر جمع - پرستار

«پرستارها به هر طرف در حرکت هستند» (صبحی، ۱۳۵۷: ۱۴۷).

در مواردی از قبیل نمونه‌های ذکرشده که در آن‌ها آغازگر بند با فاعل هم‌پوشی کامل دارد، آغازگر از نوع بی‌نشان است. همچنین، در بندهای خبری دارای «فاعل محذوف»، آغازگر بند با فاعل محذوف هم‌پوشی دارد. گفتنی است منظور از فاعل محذوف، «ضمیر فاعلی غیرمؤکد» است که در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، به صورت پرسامد و بی‌نشان حذف می‌شود؛ زیرا از طریق شناسه فعل شناسایی می‌شود.<sup>۷۹</sup> از این رو، فاعل محذوف هم همانند فاعل آشکار آغازگر بی‌نشان است (اعلایی، ۱۳۸۸: ۱۰۰ - ۱۰۳؛ فهیم‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۸؛ رضاپور و سلطان احمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۷ - ۲۲۹، ۲۳۱ (برای زبان فارسی)؛ Lee, 1996: 93؛ کلفچی خیابانی، ۱۳۸۴: ۶۷ (برای زبان ترکی آذری)). مثال‌های زیر بندهای خبری دارای فاعل محذوف را نشان می‌دهند:

(۷) Ø حالا فهمیدم (دانشور، ۱۳۴۹: ۴۴).

(۸) به خصوص اگر Ø بخواهید آن‌ها را موزون و زیبا هم بگویید (فهیم‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۱).

(9) Ø bu ev-i æli-j-æ dyzæɾ-dir

سببی - ساختن متممی - آوای میانجی - علی مفعولی - خانه این

-di-m.

۱ش م - گذشته -

«این خانه را دادم برای علی ساختند» (Erfani, 2012: 80).

(10) Ø dɒniʃGɒh-dɒn ev-æ jæl-ib-læɾ.

۳ش ج. حال - نمود کامل<sup>۸۰</sup> - آمدن متممی - خانه ازی - دانشگاه

«از دانشگاه به خانه آمده‌اند» (Lee, 1996: 93.).

در هر چهار نمونه ذکر شده، ضمایر فاعلی غیرمؤکد حذف شده‌اند. با این حال، هر یک از آن‌ها آغازگر بی‌نشان بند خود هستند.

همان‌طور که در مطالب ذکر شده نیز گفته شد، در بندهای خبری، آغازگرهایی که با نقش بینافردي فاعل (خواه آشکار و خواه محذوف) همپوشی دارند ذیل مقوله «آغازگر بی‌نشان» قرار دارند. در مقابل، اگر آغازگر یک بند خبری عنصری غیر از فاعل باشد، نشان‌دار خواهد بود. در هر دو دسته‌بندهای فارسی و ترکی آذری در زیر، عناصر امشب، کتاب را، *Gijpfæ-lær-dæn* «از قیافه‌ها»، و *børc-i* «کلاه را» که به ترتیب دارای نقش «افزوده»<sup>۸۱</sup> و «متمم»<sup>۸۲</sup> هستند، آغازگرهایی نشان‌دار هستند. گفتنی است آغازگرهای نشان‌دار یادشده بدون هیچ آغازگرنمایی در جایگاه آغازین بند و پیش از آغازگرهای بی‌نشان، یعنی فاعل، قرار گرفته‌اند.

(۱۱) امشب آواز توسط بانو پروانه خوانده می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۶).

(۱۲) کتاب را آریا به نازنین داد (راسخ مهند، ۱۳۸۵: ۲۰).

(13) *Gijpfæ-lær-dæn jøzwG-luG cædær jøy*  
باریدن اندوه اسم انتزاعی‌ساز - بیچاره ازی - جمع - قیافه  
-ur.  
۳ ش.م. حال. نمود ناقص -

(از قیافه‌ها بیچاره‌گی [و] اندوه می‌بارد) (تکرار مثال چهارم جدول ۱).

(14) *børc-i øjdin jøfør-ø ver-di.*  
۳ ش.م. گذشته - دادن متممی - یاشار آیدین مفعولی - کلاه  
«کلاه را آیدین به یاشار داد» (کلفچی خیابانی، ۱۳۸۴: ۶۲).

همان‌طور که در پاراگراف پایانی بخش ۴ - ۱ ذیل جدول ۱ در مطالب ذکر شده گفته شد، خلاف آغازگرهای نشان‌دار در نمونه‌های بالا که جملگی دارای نقش تجربی/ بینافردي هستند، در زبان فارسی، به‌ویژه در گونه گفتاری این زبان، آغازگرهای نشان‌داری را می‌توان یافت که فاقد نقش تجربی/ بینافردي در بند خود هستند. دو نمونه زیر همانند نمونه‌های ۱ و ۲ در مطالب ذکر شده، شواهدی بر این مدعا هستند:<sup>۸۳</sup>

(۱۵) همسایه رُ، (من) مهمونشُ دیدم.

(۱۶) همسایه رُ، (من) از مهمونش شکایت کردم.

در هر یک از دو بند ۱۵ و ۱۶، در پی آغازگرسازی یک سازه، ضمیری هم‌مرجع با آن سازه در جایگاه اصلی آن قرار گرفته است. در چنین شرایطی، ضمیر هم‌مرجع با سازه «آغازگرشده»<sup>۸۴</sup> نقش تجربی/ بینافردی پیشین آغازگر را دریافت می‌کند<sup>۸۵</sup> و به این ترتیب، سازه آغازگرشده خود فاقد نقش تجربی/ بینافردی می‌شود. گفتنی است چنین آغازگرهای نشان‌دار فقط دارای نقش متنی هستند. به بیانی روشن‌تر، آن‌ها مشارکی از بند را معرفی می‌کنند و آن را در کانون توجه شنونده قرار می‌دهند. بر این اساس، می‌توان سازه‌های آغازگر در بندهای ۱۵ و ۱۶ را نمونه‌های دیگری از «آغازگر محض» در زبان فارسی دانست. گفتنی است در دو بند ۱۵ و ۱۶ نیز، آغازگرهای محض به همراه آغازگرها، یعنی پس‌اضافه «ر» (صورت گفتاری «را»)، ظاهر شده‌اند. نکته پایانی آن است که آنچه در این پژوهش با عنوان «آغازگر محض» در زبان فارسی مطرح است در مقاله «پیرامون "را" در زبان فارسی»، نوشته دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۹)، با نام «مبتدای ثانویه»<sup>۸۶</sup> آمده است. البته، باید توجه داشت که مفهوم آغازگر محض - که ذیل مقوله «آغازگر نشان‌دار» قرار دارد - با مفهوم «مبتدای ثانویه نشان‌دار» منطبق است. گفتنی است مبتدای ثانویه در حالت بی‌نشان به سازه پایان‌بخش بند تعلق دارد (رک. دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۲۹، پانوش ۱). دو نمونه زیر که از دبیرمقدم (همان: ۱۲۷) نقل می‌شود شواهدی بر این مدعا هستند:

(۱۷) (من) همسایه رُ، مهمونشُ دیدم.

(۱۸) (من) همسایه رُ، به مهمونش خندیدم.

در هر دو بند ذکرشده، مبتدای ثانویه به همراه پس‌اضافه «ر» و در حالت بی‌نشان در درون سازه پایان‌بخش قرار گرفته است. شایان توجه است که سازه آغازگر در هر دو بند ۱۷ و ۱۸ بی‌نشان است؛ زیرا با فاعل محذوف، یعنی «من»، هم‌پوشی دارد.

#### ۴-۲-۲. آغازگر در بندهای پرسشی

در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، بندهای پرسشی به دو نوع «قطبی»<sup>۸۷</sup> (بلی/خیر) و «پرسش‌واژه‌ای» تقسیم می‌شوند. در بندهای پرسشی قطبی که با ادات بینافردی *آیا* و *مگر* یا گونه گفتاری آن، یعنی مگه، در فارسی و *njv* «آیا» و *mæjær* «مگر» یا گونه‌های گفتاری آن، یعنی *bæjæ mæjæ* و *bæ* «مگه»، در ترکی آذری شروع می‌شوند، اگر آغازگر ترکیبی از

ادات‌های یادشده و فاعل (آشکار یا محذوف) باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. بر این اساس، آغازگرهای چندگانه در بندهای ۱۹ و ۲۰، یعنی مگه *این* و  $\emptyset$  *mæjæ* «مگه  $\emptyset$ »، بی‌نشان، ولی در دو بند ۲۱ و ۲۲، یعنی *آیا این همه کار* و *njɒ bu if-dæn* «آیا از این کار»، نشان‌دار هستند.

(۱۹) مگه این گربه توه؟ (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۱)

(20) *mæjæ o-n-ɒ de-mi-siz?*

۲ ش.ج. حال - نمود کامل - گفتن متممی - آوای میانجی - او مگه

«مگه به او گفته‌اید؟»

(۲۱) آیا این همه کار من باید انجام بدم؟

(22) *njɒ bu if-dæn bir fej ɕuix-njɒx?*

۳ ش.م. آینده - خارج شدن چیز یک ازی - کار این آیا

«آیا از این کار چیزی عاید خواهد شد؟» (Lee, 1996: 261)

در بندهای پرسشی قطبی فاقد ادات پرسشی - که تنها با تغییر آهنگ از بندهای خبری متمایز می‌شوند - اگر آغازگر با فاعل آشکار یا محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. در دو نمونه ۲۳ و ۲۴، آغازگر، یعنی تو و *o-lɒr* «آن-ها»، با فاعل هم‌پوشی دارد و از این رو، بی‌نشان است؛ اما در نمونه‌های ۲۵ و ۲۶، سازه آغازگر، یعنی *این بچه* و *bu citɒb* «این کتاب»، دارای نقش بینافردی متمم و بر این اساس، نشان‌دار است.

(۲۳) تو برای همین حرف‌ها بیرونش کردی، هان؟ (گلشیری، ۱۳۶۸: ۱۷)

(24) *o-lɒr bu citɒb-u jɒz-ɔub-lɒr?*

۳ ش.ج. حال - نمود کامل - نوشتن مفعولی - کتاب این جمع - او

«آن‌ها این کتاب را نوشته‌اند؟»

(۲۵) این بچه رُ تو زده‌ای؟

(26) *bu citɒb-u o-lɒr jɒz-ɔub-lɒr?*

۳ ش.ج. حال - نمود کامل - نوشتن جمع - او مفعولی - کتاب این

«این کتاب را آن‌ها نوشته‌اند؟»

با توجه به آنچه پیش‌تر ذکر شد، می‌توان ادعا کرد که هر دو نوع بند خبری و پرسشی قطبی فاقد ادات پرسشی، از الگوی آغازگرسازی یکسانی پیروی می‌کنند. به بیانی روشن‌تر، در هر دو نوع بند یادشده، اگر آغازگر با فاعل آشکار یا محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود.

در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای، هر عنصری از بند که گوینده به دنبال یافتن هویت آن است در جایگاه بی‌نشان «خبری» خود قرار می‌گیرد؛ زیرا هر دو زبان فارسی و ترکی آذری جزو زبان‌های «پرسش‌واژه در جای اصلی»<sup>۸۸</sup> هستند. به بیانی دیگر، در پرسشی‌های پرسش‌واژه‌ای، پرسش‌واژه‌ها بسته به نقش تجربی/بینافردی‌شان در جایگاه معمول خبری خود وقوع می‌یابند. از این رو، پرسش‌واژه‌های فاعلی در جایگاه آغازین و پرسش‌واژه‌های غیرفاعلی در جایگاه غیرآغازین بند قرار می‌گیرند. در هر دو دسته از نمونه‌های فارسی و ترکی آذری در زیر، پرسش‌واژه‌ها که با رنگ سیاه نشان داده شده‌اند به‌ترتیب دارای نقش بینافردی «فاعل»، «متمم» و «افزوده» هستند:

(۲۷) کی این حرفا رُ به تو یاد داده؟

(۲۸) بیژن پولو به کی داد؟ (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۲)

(۲۹) تو چرا از اینجا نمیری؟

(30) **cim** Gojun-**u** **ɒpɒr-du?**

۳ ش.م. گذشته - بردن مفعولی - گوسفند کی

«کی گوسفندو برد؟» (Lee, 1996: 263)

(31) **æli** citɒb-**u** **cim-æ** ver-**di?**

۳ ش.م. گذشته - دادن متممی - کی مفعولی - کتاب علی

«علی کتاب را به کی داد؟» (Dehghani, 2000: 160)

(32) **jɒfɒr** **hɒr-ɒ** **jed-ib?**

متممی یاشار

۳ ش.م. حال. نمود کامل - رفتن - کجا

«یاشار کجا رفته؟» (کلفچی خیابانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

همان‌طور که در نمونه‌های ذکرشده نشان داده شد، پرسش‌واژه‌ها بر اساس نقش تجربی/بینافردی‌شان در جایگاه بی‌نشان خبری خود وقوع یافته‌اند. بر اساس آنچه گفته شد،

می‌توان ادعا کرد که در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای نیز همانند پرسشی‌های قطبی فاقد ادات پرسشی، اگر آغازگر با فاعل (خواه در هیئت یک پرسش‌واژه و خواه به شکل یک عنصر غیرپرسش‌واژه (چه آشکار و چه محذوف) هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان (رک. نمونه‌های ۲۷ تا ۳۲) و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. بندهای ۳۳ تا ۳۶ در زیر نمونه‌هایی از رخداد آغازگر نشان‌دار در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای را نشان می‌دهند. گفتنی است در دو دسته نمونه یادشده، سازه‌های آغازگر، یعنی *اتاق‌ها را، چرا، Gojun-uu* «گوسفندو»، و *hvr-døn* «از کجا»، به ترتیب «متممی» و «افزوده‌ای» هستند و از این رو، نشان‌دارند:

(۳۳) اتاق‌ها را کی جارو می‌کنه؟ (گلشیری، ۱۳۶۸: ۲۸)

(۳۴) چرا تو به حرف معلمات گوش نمی‌دی؟

(35) *Gojun-uu cim ppor-duu?*

۳ ش.م. گذشته - بردن کی مفعولی - گوسفند

«گوسفندو کی برد؟»

(36) *hvr-døn sæn byl-dyn?*

۲ ش.م. گذشته - فهمیدن تو ازی - کجا

«از کجا تو فهمیدی؟»

#### ۴ - ۲ - ۳. آغازگر در بندهای تعجبی

در دو زیربخش پیشین، به بررسی الگوی آغازگرسازی در بندهای خبری و پرسشی (قطبی و پرسش‌واژه‌ای) پرداختیم. در اینجا، صورت‌های بی‌نشان و نشان‌دار سازه آغازگر بندهای تعجبی را بررسی می‌کنیم. بندهای تعجبی در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری به یکی از دو شکل «خبری» و «پرسش‌واژه‌ای» آشکار می‌شوند. در نوع خبری، گوینده با استفاده از بند خبری تعجب خود را بیان می‌کند و در نوع پرسش‌واژه‌ای، گوینده با استفاده از پرسش‌واژه‌های چه و چقدر در زبان فارسی و دو پرسش‌واژه *nae* «چه» و *nae Gædær* «چقدر» در زبان ترکی آذری تعجب خود را نشان می‌دهد (تاج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹-۲۶۷; Lee, 1996: 268). بر این اساس، می‌توان گفت که بندهای تعجبی خبری و پرسش‌واژه‌ای به ترتیب از الگوی آغازگرسازی بندهای خبری و پرسشی پرسش‌واژه‌ای پیروی می‌کنند. به بیانی روشن‌تر، در هر دو نوع بندهای تعجبی خبری و پرسش‌واژه‌ای، اگر آغازگر با فاعل هم‌پوشی

داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. در بندهای ۳۷ تا ۴۲، سازه‌های آغازگر که با رنگ سیاه نشان داده شده‌اند، جملگی با فاعل هم‌پوشی دارند و از این رو، بی‌نشان هستند:

(۳۷) چه گل‌های زیبایی اینجا روییده!

(۳۸) Ø خیلی زیبا اوبوا می‌زنی! (تاج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹)

(۳۹) Ø چه زیبا آلمانی حرف می‌زنی! (همان: ۱۰)

(40) bu cænd ɕox jʊzæl-di!

۳ ش.م. حال. فعل اسنادی<sup>۸۹</sup> - زیبا خیلی روستا این

«این روستا خیلی زیباست!»

(41) næ jʊzæl ev-lær bu cænd-dæ dyzæl

ساخته شدن اندری - روستا این جمع - خانه زیبا چه

-in-ib!

۳ ش.ج. حال. نمود کامل - پسوند مجهول -

«چه خانه‌های زیبایی در این روستا ساخته شده است!»

(42) Ø næ pis ij ver-ir!

۳ ش.م. حال. نمود ناقص - دادن بو بد چه

«Ø چه بوی بدی می‌دهد!» (Lee, 1996: 268)

خلاف نمونه‌های ذکرشده، در بندهای ۴۳ تا ۴۶، سازه‌های آغازگر، یعنی عجب آدمی،

دیشب، bu cænd-dæ «در این روستا»، و dynæn jeja «دیشب»، جملگی عناصر غیرفاعلی-

اند و از این رو، نشان‌دار هستند:

(۴۳) عجب آدمیه این رفیقت!

(۴۴) دیشب چهقدر بارون بارید!

(45) bu cænd-dæ næ jʊzæl ev-lær dyzæl

ساخته شدن جمع - خانه زیبا چه اندری - روستا این

-in-ib!

۳ ش.ج. حال. نمود کامل - پسوند مجهول -

«در این روستا چه خانه‌های زیبایی ساخته شده است!»

(46) dynæn ʒejæ næ jʊzæɪ jʊyʊɪf jʊy-du!

۳ ش.م. گذشته - باریدن باران زیبا چه شب دیروز

«دیشب چه باران زیبایی بارید!»

## ۴-۲-۴. آغازگر در بندهای امری

پیام اصلی یک بند امری آن است که گوینده از مخاطبش به تنهایی یا مخاطب به اضافه خودش می‌خواهد کاری را انجام دهد/ دهند (Halliday & Matthiessen, 2014: 103). گفتنی است بندهای امری در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری به لحاظ «توالی عناصر» شبیه بندهای خبری و مشخصاً بندهای خبری دارای ضمیر فاعلی محذوف هستند. همچنین دو بند خبری و امری تنها در «نمود» دو عنصر فاعل و محمول با هم متفاوت هستند. به بیانی روشن‌تر، در بند امری خلاف بند خبری، اولاً عنصر فاعل به صورت بی‌نشان محذوف است و ثانیاً محمول در هیئت ترکیب پیش‌وند «ب/بُ» با «ستاک فعل»<sup>۱</sup> در فارسی و ستاک فعل به تنهایی در ترکی آذری ظاهر می‌شود. نمونه‌های زیر شواهدی از بند امری در دو زبان فارسی و ترکی آذری هستند:

(۴۷) Ø از اینجا برو!

(۴۸) Ø این چایی رو نخور!

(۴۹) بیا Ø کمی راجع به مشکلات زندگی مدرن صحبت کنیم!

(50) uʃʊy-wi ɒɣɪb-t-mɒ!

منفی - سببی - ۲ ش.م. وجه امری. گریه کردن مفعولی - بچه

«بچه رو نگرین!»

(51) Ø bur-dan ʒet-mæ!

منفی - ۲ ش.م. وجه امری. رفتن ازی - اینجا

«از اینجا نرو!»

(52) ʒæl bur-dɒn ʒed-ɒx!

۱ ش.ج. وجه امری - رفتن ازی - اینجا آمدن

«بیا از اینجا بریم!»

همان‌طور که نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهند، مخاطب بندهای امری به صورت بی‌نشان



در بند حضور ندارد؛ زیرا به کمک شناسه فعل بازایی می‌شود. با توجه به امکان حذف ضمایر فاعلی و نیز وقوع فعل در جایگاه پایانی بندهای امری، می‌توان مدعی شد که بندهای امری به لحاظ «الگوی آغازگر سازی» نیز تا اندازه‌ای شبیه بندهای خبری هستند. گفتیم تا اندازه‌ای، زیرا در بند امری، سازه آغازگر تنها با ضمیر فاعلی محذوف به صورت بی‌نشان هم‌پوشی دارد. بر این اساس، در بندهای امری، اگر آغازگر با ضمیر فاعلی محذوف یا ترکیب فعل بیا با ضمیر فاعلی محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان-دار خواهد بود. بنابراین، بندهای ۴۷ تا ۵۲ دارای آغازگرهایی بی‌نشان هستند؛ ولی در هر دو دسته بندهای زیر، سازه آغازگر به ترتیب یک «ضمیر فاعلی آشکار» و «متمم» و بدین خاطر، نشان‌دار است.

(۵۳) تو چایی نخور!

(۵۴) غذا را تو نیز!

(55) sæn jɛjæ-n-i bur-dɒ Gɒl!

۲ ش.م. وجه امری. ماندن اندری - اینجا مفعولی - آوای میانجی - شب تو  
«تو شبو اینجا بمون!»

(56) bu ɣæzɒ-n-uu sæn je-mæ!

منفی - ۲ ش.م. وجه امری. خوردن تو مفعولی - آوای میانجی - غذا این  
«این غذا رُ تو نخور!»

با توجه به آنچه در خصوص تعامل دو زیرنظام «گزینش آغازگر» و «نشان‌داری آغازگر» با نظام «وجه» در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری گفته شد، می‌توان مدعی شد که در این دو زبان، انتخاب عنصری به‌عنوان آغازگر بی‌نشان یک بند، مستقل از نوع وجه آن بند است. به بیانی روشن‌تر، در زبان‌های فارسی و ترکی آذری، در همه انواع بندها به استثنای بند امری، «فاعل» (خواه آشکار و خواه محذوف<sup>۱</sup>) آغازگر بی‌نشان است. شایسته یادآوری است که در بندهای امری هم، «فاعل محذوف» یا «ترکیب فعل بیا و jæl «بیا»» (به قیاس با فعل *Let's* در زبان انگلیسی) + فاعل محذوف آغازگر بی‌نشان است.

نکته پایانی آنکه همان‌طور که نمونه‌هایی از قبیل بندهای ۱۲، ۱۴، ۲۵ و ۲۶ و سایر نمونه‌های مشابه در این مقاله نشان می‌دهند، در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، آغازگرهای

نشان‌دار همانند آغازگرهای بی‌نشان در جایگاه آغازین بند ظاهر می‌شوند. بر این اساس، دو زبان فارسی و ترکی آذری با توجه به مؤلفه رده‌شناختی «شیوه برخورد زبان‌ها با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار» رفتار یکسانی دارند. به بیانی روشن‌تر، هر دو زبان فارسی و ترکی آذری با آغازگرهای نشان‌دار همانند آغازگرهای بی‌نشان رفتار می‌کنند، یعنی در هر دو زبان یادشده، آغازگرهای نشان‌دار در جایگاه آغازین بند و پیش از آغازگرهای بی‌نشان و بدون هیچ آغازگرنمایی (به استثنای آغازگرهای نشان‌دار محض در زبان فارسی (رک: توضیحات جدول ۱) وقوع می‌یابند.

#### ۳-۴. انواع آغازگر

نمونه‌های دو جدول ۲ و ۳ در ادامه نشان می‌دهند که هر دو زبان فارسی و ترکی آذری برخوردار از هر دو نوع آغازگر «ساده» و «چندگانه» هستند. همان‌طور که نمونه‌های جدول ۲ نشان می‌دهند، آغازگر ساده در زبان‌های فارسی و ترکی آذری می‌تواند یک گروه یا یک عبارت «ساده» (من، *u/bx-lvr* «بچه‌ها»، در زندگی، و *Gijpfæ-lær-dæn* «از قیافه‌ها») و نیز یک گروه یا یک عبارت «مرکب» (خانم زهرا و یوسف‌خان، *az tbriz ta tehran*، و *tæbriz-dæn* «از تبریز تا تهران») باشد. همچنین، دو نمونه ۵۷ و ۵۸ در زیر نشان می‌دهند که آغازگر ساده در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری ممکن است یک گروه اسمی متشکل از هسته (مهمان‌هایی و *o joldnf-uum* «آن دوستم») و «بند موصولی پساتوصیف‌گر»<sup>۹۲</sup> (که نزدیک زن و شوهر بودند و شنیدند یوسف چه گفت و *ci xprij-æ jed-mif-di* «که به خارج رفته بود») باشد. ذکر این نکته ضروری است که در زبان ترکی آذری، بند موصولی پیش از هسته اسمی می‌آید و امکان رخداد بند موصولی پس از هسته اسمی، یعنی بند موصولی پساتوصیف‌گر، در این زبان محصول تماس آن با زبان فارسی بوده است (Lee, 1996: 208; Deghani, 2000: 140).

(۵۷) مهمان‌هایی که نزدیک زن و شوهر بودند و شنیدند یوسف چه گفت اول از کنارشان عقب نشستند. (دانشور، ۱۳۴۹: ۱).

(58) o joldɒf-tum ci xɒrij -æ jed -miʃ  
 نمود کامل - رفتن متممی - خارج که ۱ ش.م. ملکی - دوست آن  
 -di jæl -di.  
 ۳ ش.م. گذشته - آمدن ۳ ش.م. گذشته -  
 «آن دوستم که به خارج رفته بود آمد» (دلجوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

جدول ۲: آغازگر ساده در دو زبان فارسی و ترکی آذری  
**Table2:** simple theme in Persian and Azeri Turkish

من در زندگی خانم زهرا و یوسفخان از تبریز تا تهران	فقط به شرح یکی از این پیش آمدها می پردازم. (تکرار نمونه ۱ جدول ۱) زخمهایی هست (تکرار نمونه ۲ جدول ۱) هم نان را از نزدیک دیدند. (تکرار نمونه ۴) خیلی راه.
آغازگر	پایان بخش
uʃɒx-lɒr جمع - بچه	bɒɣ-dɒ jed-di-lær. ۳ شج - گذشته - رفتن متممی - باغ «بچه ها به باغ رفتند» (تکرار نمونه ۳ جدول ۱)
Gijɒfæ-lær-dæn ازی - جمع - قیافه	jɒzɒiG-lɒɣ cædær jɒɣ-ɒɒr. ۳ ش.م. حال. نمود ناقص - باریدن اندوه اسم انتزاعی ساز - بیچاره «از قیافه ها بیچاره گی [و] اندوه می بارد» (تکرار نمونه ۴ جدول ۱)
tæbriz-dæn tehrɒn-dɒ از تبریز - متممی - از تهران	çox jol-duɒ. ۳ ش.م. حال. فعل اسنادی - راه خیلی «از تبریز تا تهران خیلی راه».
آغازگر	پایان بخش

تمام آغازگرهایی که در جدول ۲ دیدیم از نوع ساده هستند؛ زیرا جملگی تنها حاوی عنصر یا عناصر تجربی هستند. با این حال، در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، این امکان

نیز وجود دارد که پیش از عنصر یا عناصر تجربی در سازه آغازگر عناصر متنی و بینافردی هم وجود داشته باشند. چنین سازه‌های آغازگر که از ترکیب عنصر متنی یا بینافردی یا هر دو با عنصر تجربی به دست می‌آیند، آغازگرهای چندگانه نام دارند. جدول ۳ در زیر نمونه‌هایی از رخداد آغازگر چندگانه در دو زبان فارسی و ترکی آذری را نشان می‌دهد:

جدول ۳: آغازگر چندگانه در فارسی و ترکی آذری

Table3: multiple theme in Persian and Azeri Turkish

به طوری که همیشه		مولکول‌های حلال		به طرفی روانه می‌گردند که غلظت بیشتر است (کاطمی، ۱۳۹۳: ۱۰۷).	
ولی		باران شدیدی		بارید (فهم‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۰).	
متنی		حاج خانم		چه قدر پول داره، قد یه بانک! (تاج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰)	
بینافردی		تجربی			
آغازگر			پایان بخش		
bir /ej ɟu خارج شدن چیز یک -mɔz. ۳ ش.م. حال. نمود عادت منفی - «خلاصه به نظر من از این کار چیزی عاید نمی‌شود».		bu iʃ-dæn ازی - کار این		xulbsæ خلاصه	
bu iʃ-i jør-ær وجه التزامی - انجام دادن مفعولی - کار این -di-lær. ۳ ش.ج - گذشته - «وگرنه شاید افراد زیادی این کار را انجام می‌دادند»		çox ndbm-lər جمع - آدم خیلی		joxsɔ وگرنه	
		تجربی		متنی	
پایان بخش			آغازگر		

نمونه‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که در هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، سازه آغازگر ممکن است در کنار عنصر تجربی، عناصر متنی و بینافردی را نیز شامل شود. پیش‌تر نیز گفته شد که چنین سازه آغازگر را «آغازگر چندگانه» می‌نامند. همان‌طور که نمونه‌های یادشده نشان می‌دهند، عناصر متنی، بینافردی، و تجربی در درون سازه آغازگر جملگی نمود یکسانی دارند. به بیانی دیگر، هیچ یک از عناصر سه‌گانه یادشده آغازگر نامی خاصی ندارند؛ بلکه تنها از طریق جایگاه آغازین بند آشکار شده‌اند. گفتنی است عناصر سازنده آغازگرهای چندگانه در نمونه‌های جدول ۳ با ترتیب زیر وقوع یافته‌اند:

(۵۹) متنی - بینافردی - تجربی

ترتیب ۵۹ نشان می‌دهد که سازه آغازگر چندگانه از آغاز بند شروع می‌شود و با اولین عنصر تجربی پایان می‌یابد.

بر اساس آنچه در مطالب ذکرشده در خصوص نظام «نوع آغازگر» در دو زبان فارسی و ترکی آذری گفته شد، می‌توان مدعی شد که این دو زبان با توجه به مؤلفه رده‌شناختی «میزان حضور انواع سه‌گانه آغازگر متنی، بینافردی، و تجربی در نظام آغازگر زبان‌ها و شیوه برخورد زبان‌ها با آن‌ها» در یک رده زبانی قرار دارند. به بیانی روشن‌تر، هر دو زبان فارسی و ترکی آذری از یک سو دارای هم آغازگر ساده و هم آغازگر چندگانه هستند و از سوی دیگر، عناصر سازنده آغازگر چندگانه از طریق «توالی»، یعنی توالی متنی - بینافردی - تجربی، در جایگاه آغازین بند و بدون هیچ آغازگر نامی آشکار می‌شوند

## ۵. نتیجه

این پژوهش در چارچوب «رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند» یا به اختصار «رده‌شناسی نظام‌مند» و مشخصاً تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) انجام یافته است. هدف اصلی این پژوهش توصیف و مقایسه نظام آغازگر در دو زبان فارسی و ترکی آذری بوده است. این پژوهش نشان داد که دو زبان فارسی و ترکی آذری (۱) دارای ساخت آغازگری - پایان- بخشی تقریباً همانند هستند، (۲) با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار به یک شکل برخورد می‌کنند، (۳) افزون بر آغازگر ساده، دارای آغازگر چندگانه نیز هستند، (۴) با عناصر سازنده آغازگر چندگانه به یک شکل برخورد می‌کنند، (۵) دارای نظام آغازگر وجه‌آزاد هستند. این

یافته‌ها نشان می‌دهند که دو زبان فارسی و ترکی آذری که به لحاظ نسبی کاملاً متفاوت هستند، دارای نظام آغازگر و مشخصاً سه زیرنظام «نشان‌داری آغازگر»، «گزینش آغازگر»، و «نوع آغازگر» مشابهی هستند. بر این اساس، این نتیجه با «اصل سازگاری محوری» (رک. بخش ۳ این مقاله) همسوست. یعنی دو زبان فارسی و ترکی آذری بر مبنای بُعد «نظام» و مشخصاً نظام آغازگر گرایش به سازگاری بیشتر با یکدیگر دارند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. language typology
2. educational linguistics
3. computational linguistics
4. clinical linguistics
5. Systemic Functional Grammar
6. systemic functional typology
7. systemic typology
8. Firthian linguistics
9. Prague school
10. characterology
11. empirical generalizations
12. ideational
13. logical
14. experiential
15. interpersonal
16. textual
17. clause grammar
18. Tagalog
19. Telugu
20. Pitjantjatjara
21. typological generalizations
22. THEME

۲۳. تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن در آخرین فصل از کتاب *رده‌شناسی زبان: منظری نقش‌گرا* (language typology: a functional perspective)، ویراسته کافارل و همکاران (2004)، آمده است. گفتنی است فصل‌های دوم تا نهم این کتاب به توصیف نظام آغازگر در کنار سایر نظام‌ها به ترتیب در زبان‌های فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، تاگالوگ، چینی، ویتنامی، تلگو، و پیچان‌چاچارا اختصاص یافته‌اند.

24. textual grammar

25. thematic structure
26. MOOD
27. multiple Theme
28. unmarked Theme
29. Wh interrogative
30. marked
31. Halliday and Matthiessen
32. simple clauses
33. clause complexes
34. experiential Theme
35. topical
36. postverbal Subject
37. generalizing/partial typology
38. Greenberg
39. Hawkins
40. word order
41. axial principle of congruence
42. declarative
43. message
44. Theme
45. Rheme
46. subsystems
47. Eggins
48. TYPE OF THEME
49. simple Theme
50. THEME MARKEDNESS
51. THEME PREDICATION
52. predicated Theme
53. not predicated Theme
54. THEME SELECTION
55. THEME HIGHLIGHTING
56. THEME FOCUSING
57. THEME REPRISE
58. INTERPERSONAL THEME
59. TEXTUAL THEME

۶۰. متیسن (۶۵۱-۶۴۵: ۲۰۰۴) حیطه‌های زیر را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تنوع رده‌شناختی نظام آغازگر در میان زبان‌ها شناسایی کرده است: ۱) شیوه برخورد با آغازگر بی- نشان و نشان‌دار، ۲) ارتباط بین نظام آغازگر و نظام اطلاع (INFORMATION)، ۳) ارتباط بین نظام آغازگر و نظام وجه، ۴) ارتباط بین آغازگر تجربی (موضوعی) و آغازگر بینافردی و متنی و

ه) ارتباط بین نظام آغازگر و نظام جهت (VOICE). گفتنی است به منظور محدود کردن گستره این پژوهش، تنها سه مورد از حیطه‌های ذکرشده، یعنی موارد ۱، ۳ و ۴ را به‌عنوان مؤلفه‌های رده‌شناختی برای توصیف و مقایسه نظام آغازگر در دو زبان فارسی و ترکی آذری برگزیده‌ایم.

61. message structure

62. Theme marker

63. thematicity

64. dative

65. ablative

66. abstract nominalizer

67. imperfective aspect

68. thematization

69. participant

70. coreferential

71. absolute Theme

72. postposition

۷۳. به استثنای مواردی که در آن‌ها «آغازگر محض» از درون گروه اسمی فاعل در جایگاه آغازین بند خارج شده باشد. برای مثال، در نمونه زیر، از آنجا که عنصر همسایه از درون گروه اسمی فاعل، یعنی مهموز همسایه، خارج شده است و در جایگاه آغازین بند به‌عنوان آغازگر محض عمل می‌کند، آن بدون پس‌اضافه «را» ظاهر شده است:

(الف) همسایه، مهمونش آمد. (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۲۷)

74. transitivity structure

75. left dislocation

۷۶. گفتنی است نگارندگان این سطور هر دو نمونه ۱ و ۲ را با انجام تغییراتی در نمونه‌های ۸۷ ب و ۸۹ ب در مقاله «پیرامون "را" در زبان فارسی»، نوشته دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۲۷)، به‌دست داده‌اند. به بیانی مشخص‌تر، عنصر آغازگر در هر دو نمونه ۱ و ۲ در منبع اصلی در درون سازه پایانبخش قرار دارد.

77. Subject

78. locative

۷۹. هر دو زبان فارسی و ترکی آذری زبان‌هایی «ضمیرانداز» (pro drop) هستند؛ ازجمله مواردی که نمی‌توان در آن‌ها، ضمیر فاعلی را حذف کرد وقوع آن ضمیر به همراه یک وابسته است (رک: حوشناس و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). برای مثال، در هر دو نمونه زیر، ضمیر فاعلی، یعنی به ترتیب *men* «من»، با یک وابسته، یعنی به ترتیب *biçare* و *dæli* «دیوانه»، همراه شده است و از این رو، نتوانسته است حذف شود.



(الف) من بیچاره باید به تنهایی این همه کار را انجام دهم (حق شناس و همکاران، همانجا).

(i) jɒh toj-uv-i jɒd-æ sɒl-utb

پسوند هم‌پایه‌ساز - انداختن متممی - یاد مفعولی - ۲ ش.م. ملکی - عروسی گاه

mæn dæli nɒj nɒj de-miʃ-æm

۱ ش.م. حال - نمود کامل - گفتن نای نای دیوانه من

«گاهی عروسیت را به یاد انداخته من دیوانه رقصیده‌ام» (شهریار، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

80. perfective aspect

81. Adjunct

82. Complement

۸۳. گفتنی است که دو نمونه ۱۵ و ۱۶ نیز همانند نمونه‌های ۱ و ۲ در بخش ۴ - ۱ با اعمال تغییراتی در

نمونه‌های ۸۶ ب و ۸۸ ب در مقاله «پیرامون "را" در زبان فارسی» نوشته دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۲۷)،

به‌دست داده شده‌اند.

84. thematized

۸۵. ضمیر «ش» در نمونه ۱۵ دارای نقش «اشاری» (Deictic) (در درون گروه اسمی)، ولی در نمونه

۱۶ برخوردار از نقش «متمم پیش‌اضافه‌ای» (prepositional Complement) (در درون عبارت

پیش‌اضافه‌ای) است.

86. secondary topic/theme

87. polar

88. Wh-in-situ languages

89. copula

90. verb stem

۹۱. شایسته یادآوری است که منظور از فاعل محذوف، «ضمیر فاعلی غیرمؤکد» است که در هر دو

زبان فارسی و ترکی آذری، به‌صورت پربسامد و بی‌نشان حذف می‌شود؛ زیرا از طریق شناسه

فعل شناسایی می‌شود.

92. post-modifying relative clause

## ۷. منابع

- اعلایی، مریم (۱۳۸۸). «بررسی فرانش متنی کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*. ش ۱۴ (پیاپی ۲۲). صص ۹۲ - ۱۱۳.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). *توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی بر پایه*

- نظریه دستور نظام‌مند هلیدی. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد.
- تاج‌آبادی، فرزانه و همکاران (۱۳۹۲). «ساخت‌های تعجیبی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. ش ۴ (پیاپی ۳). صص ۱ - ۲۱.
  - حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۹۴). *زبان فارسی (۳) (سال سوم آموزش متوسطه)*. چ ۱۷. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
  - دانشور، سیمین (۱۳۴۹). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
  - دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  - \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۱. چ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
  - دلجوی، فریده (۱۳۷۶). *ساخت موصولی در زبان ترکی آنری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
  - رضاپور، ابراهیم و زهرا سلطان احمدی (۱۳۹۳). «بررسی فرانش متنی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی سطح متوسطه و پیشرفته بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». مقاله ارائه‌شده در نخستین همایش آموزش زبان فارسی. دانشگاه تربیت مدرس، تهران: صص ۲۲۵ - ۲۳۴.
  - شهریار، محمدحسین (۱۳۸۰). *کلیات اشعار ترکی شهریار: به انضمام حیدربابایه سلام (سلام بر حیدربابا)*. تهران: زرین.
  - صباحی، گنجعلی (۱۳۵۷). *قارتال (حکایه‌لر مجموعه‌سی) (عقاب (مجموعه حکایت‌ها))*. تهران: فرزانه.
  - فهیم‌نیا، فرزین (۱۳۸۹). توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی، در متن کتاب‌های فارسی و انشای دانش‌آموزان دبستان». *زبان و زبان‌شناسی*. ش ۶ (پیاپی ۱۲). صص ۴۱ - ۵۹.

- کاظمی، فروغ (۱۳۹۳). «ساخت آغازگری - پایان بخشی در بندهای مرکب متون علمی فارسی بر پایه دستور نظام مند». *زبان شناخت*. ش ۵ (پیاپی ۱). صص ۱۴۹ - ۱۷۰.
- کلفچی خیابانی، معصومه (۱۳۸۴). *قلب نحوی در زبان ترکی آنری*. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۶۸). *شازده احتجاب*. تهران: نیلوفر.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی*. ترجمه مهدی سمائی. تهران: مرکز.
- هدایت، صادق (۱۳۸۳). *بوف کور*. اصفهان: صادق هدایت.

#### References

- Aalae, M. (2009). "Studying textual metafunction in SAMT textbooks". *Researching and Writing University Books*. No. 14 (22). Pp : 92-113. [In Persian]
- Caffarel, A. (2004). "Metafunctional profile of the grammar of French". *Language Typology: A Functional Perspective*. eds. A. Caffarel, J.R. Martin and C.M.I.M. Matthiessen. Amsterdam: John Benjamins. Pp: 77-137.
- Caffarel, A.; J.R. Martin & C.M.I.M. Matthiessen, (2004), "Introduction: Systemic Functional Typology". *Language Typology: A Functional Perspective*. eds. A. Caffarel, J.R. Martin and C.M.I.M. Matthiessen. Amsterdam: John Benjamins. Pp: 1-76.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universal*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2005). *Studies in Persian Linguistics (Selected Articles)*. Tehran: Iran University Press. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 1. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Daneshvar, S. (1970). *Suvashun*. Tehran: Kharazmi. [In Persian]

- Dehghani, Y. (2000). *A Grammar of Iranian Azeri: Including Comparisons with Persian*. Munich: Lincom Europa.
- Deljuy, F. (1997). *Relative Structure in Azeri Turkish*. MA thesis. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In Persian]
- Eggins, S. (2004). *An Introduction to Systemic Functional Linguistics*. London and New York: Continuum.
- Erfani, P. (2012). *Azeri Morphosyntax: The Influence of Persian on a Turkic Language*. MA thesis. Simon Fraser University, British Columbia, Canada.
- Faghih, E. & M. Bahman (2010). "A Contrastive study of theme in English and Azeri Turkish fictional texts". *The Journal of Applied Linguistics*. No. 3 (1). Pp: 55-69.
- Fahimnia, F. (2010). "A Hallidayan functional description and analysis of theme in Persian primary school textbooks and students' compositions". *Language and Linguistics*. No. 6 (12). Pp : 41-59. [In Persian]
- Golshiri, H. (1989). *Prince Ehtejab*. Tehran: Nilufar. [In Persian]
- Haghshenas, A. M., Samii (Gilani), A., Vahidian Kamyar, T., Davudi, H., Zolfaghari, H., Sangari, M. R., ..., & S. A. Mirjafari, (2015). *Persian Language (3)*. Tehran: Administration of Textbooks Publishing and Distribution. [In Persian]
- Halliday, M.A.K. (2005). "Studies in English Language". *The Collected Works of M.A.K. Halliday. Volume 7*. ed. J. Webster. London & New York: Continuum. Pp: 55-109.
- Halliday, M.A.K. & C.M.I.M Matthiessen (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. 4<sup>th</sup> edition. London and New York: Routledge.
- Hedayat, S. (2004). *The Blind Owl*. Esfahan: Sadegh Hedayat. [In Persian]

- Johanson, L. (1998a). "The history of Turkic". *The Turkic Languages*. eds. L. Johanson and É. Á. Csató. London and New York: Routledge. Pp: 81-125.
- \_\_\_\_\_ (1998b). "Code-copying in Irano-Turkic". *Language Sciences*. No. 20 (3). Pp: 325- 337.
- Kalafchi Khiyabani, M. (2006). *Scrambling in Azeri Turkish*. MA thesis. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In Persian]
- Kazemi, F. (2014). "Theme-rheme structure in clause complexes of Persian scientific texts Based on SFG (Systemic Functional Grammar)". *Zabanshenakht (Language Studies)*. No. 5 (9). Pp: 149-170. [In Persian]
- Lee, S. N. (1996). *A Grammar of Iranian Azeri*. Ph.D thesis. University of Sussex, Brighton, England.
- Mahutian, S. (1999). *Persian Language Grammar from a Typological Perspective*, (M. Samai, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian].
- Matthiessen, C. M.I.M. (2004). "Descriptive Motifs and Generalizations". *Language Typology: A Functional Perspective*. eds. A. Caffarel, J.R. Martin and C.M.I.M. Matthiessen. Amsterdam: John Benjamins. Pp: 537-673.
- Mwinlaaru, I.N. and W.W. Xuan, (2016), "A survey of studies in systemic functional language description and typology". *Functional Linguistics*. No. 3 (8). Pp: 1-41.
- Pahlavannezhad, M. R. (2004). *A Description and Analysis of Clause Structure in Persian Language Based on Halliday's Systemic Functional Grammar*. Ph.D thesis. Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Rezapur, E., and Z. Soltan Ahmadi, (2014), "Studying Textual Metafunction in Intermediate and Advanced-level Persian Language Teaching Books Based on Halliday's Systemic Functional Grammar". *Paper presented at the 1<sup>st</sup> Conference of*

*Persian Language Teaching*, Tarbiat Modarres University. [In Persian]

- Sabahi, G. (1978). *Eagle (a Series of Anecdotes)*: Tehran: Farzaneh Publication. [In Azeri Turkish]
- Shahriar, M.H. (2001). *Shahriar's Turkish Poems: Including Greetings to Heydar Baba*. Tehran: Zarrin. [In Azeri Turkish]
- Tajabad, F, Golfam, A., and Mahmoodi-Bakhtiar, B. (2013). "Exclamation structures in Persian". *Language Related Research*. Vol. 4. No.3. Pp: 1-21. [In Persian]
- Teruya, K. and C.M.I.M. Matthiessen, (2013), "Halliday in Relation to Language Comparison and Typology". Manuscript.